**انترناسیونال ۶۱۶**

**بحران یونان و جایگاه رفراندوم**

**مصاحبه با حمید تقوایی**

***انترناسیونال:*** *روز یکشنبه گذشته دولت یونان پاکت پیشنهادی اتحادیه اروپا برای تشدید سیاست ریاضت کشی در آن کشور را به رفراندوم گذاشت که اکثریت شرکت کنندگان در این رفراندوم به آن "نه" گفتند. مذاکرات و کشاکش بین دولت یونان و رهبران اتحادیه اروپا هنوز ادامه دارد و نتایج این "نه" هنوز معلوم نیست، اما در تبلیغاتی که قبل از رفراندوم از طرف رهبران قدرتمند اتحادیه اروپا به راه افتاده بود مطرح میشد که جواب "آری" در این رفراندوم راه را برای پیشرفت و شکوفایی یونان باز می کند. نظر شما در این باره چیست؟*

**حمید تقوائی:** رای مثبت مردم یونان به معنی تسلیم کامل به تروئیکا و تشدید ریاضت کشی اقتصادی و گرانی و بیکاری و فقر و فلاکت بیشتر برای مردم یونان بود. سیاستهای تروئیکا نزدیک به یک دهه است در یونان اجرا میشود و وضعیت نه تنها بهبودی پیدا نکرده بلکه به مراتب بدتر شده است. شرایط زندگی برای توده مردم هر روز دشوارتر و فلاکتبار تر شده است بی آنکه هیچ نشانه ای از رونق و شکوفائی و پیشرفت اقتصادی بچشم بخورد. ظاهرا قرار است ریاضت کشی اقتصادی به حل و لااقل تخفیف بحران و براه افتادن چرخهای سرمایه و افزایش سودآوری سرمایه ها منجر بشود اما در یونان بر عکس بحران هر روز وخیم تر شده است. مردم یونان در یک سطح وسیع و در زندگی روزمره خود این واقعیت را تجربه کرده اند که تنها حاصل سیاست ریاضت کشی وخیم تر شدن اوضاع و فقر و فلاکت هر چه بیشتر است. دقیقا همین تجربه اجتماعی بود که اجازه داد سیریزا با شعار نه به ریاضت کشی بقدرت برسد و همین گرایش در جامعه است که به رای منفی به بسته جدید اروپای واحد برای تشدید ریاضت کشی منجر شده است. در یونان مدتهاست زندگی واقعی به این ادعا که گویا سیاستهای تروئیکا موجب شکوفائی و پیشرفت اقتصادی میشود پاسخ داده است.

***انترناسیونال****: هدف سیریزا از اعلام رفراندوم چه بود؟ کلا ارزیابی و نظر شما در مورد رفراندوم چیست؟*

**حمید تقوائی:** هدف دولت یونان ادامه مذاکرات بر سر بدهی ها از یک موضع قدرتمند تر بود. سیریزا در شش ماه گذشته مشغول بحث و چانه زنی بر سر شرایط باز پرداخت وامها و پیش شرطهای دریافت وامهای جدید با دولتهای اروپای واحد و صندوق بین لمللی پول و بانک مرکزی اروپا بوده است. وقتی موعد بازپرداخت یک قسط ٦. ۱ میلیاردی وامها فرار رسید و تروئیکا شروط جدید برای تمدید کمکهای مالی مبتنی بر تشدید ریاضت کشی اقتصادی را مطرح کرد سیریزا اعلام کرد این شرایط را نمی پذیرد و به رای مستقیم مردم رجوع میکند. سیپراس نخست وزیر یونان همچنین اعلام کرد که اگر رای مردم مثبت باشد به آن احترام خواهد گذاشت اما نمیتواند مجری سیاستهای تروئیکا باشد و در واقع در صورت رای مثبت مردم به این سیاستها دولتش استعفا خواهد داد. از سوی دیگر تروئیکا تبلیغ میکرد که رای منفی به معنی خارج شدن یونان از اروپای واحد است چون میدانست مردم یونان خواهان باقی ماندن در اروپای واحد هستند و به این ترتیب میخواست مردم را از رای منفی بترساند. این البته در مردد شدن بخشی از جامعه و بالا رفتن تعداد موافقین و ممتنعین (کسانی که در رفراندوم شرکت نکردند و یا به هر دو گزینه رای منفی دادند) بی تاثیر نبود ولی علیرغم این مردم در مقیاس نسبتا بالائی (به نسبت نظر پرسی ها و انتخابات متداول در کشورهای غربی) رای منفی دادند.

تا آنجا که به دولت سیریزا مربوط میشود نتیجه این رای تقویت موقعیت او در مذاکرات با اروپای واحد است. من قبلا هم در یادداشتی به این اشاره کردم که دولت سیریزا از رای منفی مردم بعنوان کارت برنده ای در مذاکرات و چانه زنی های استفاده خواهد کرد اما مستقل از تلقی و نحوه استفاده دولت یونان از این مساله به نظر من نفس رجوع به رای مردم در قبال بسته جدید سیاستهای ریاضت کشی تروئیکا یک اقدام درست و مثبت بود که نتایج ان از مانورهای دیپلماتیک دولت سیریزا و میز مذاکرات فراتر خواهد رفت. از نظر ما کمونیستها هر نوع دخالت دادن مستقیم مردم یونان در کشاکشی که بر سر سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی در جریان است یک اقدام مثبت و یک پیش شرط حل بحران موجود از زاویه منافع کارگران و توده مردم است و رفراندوم اخیر - مستقل از هر هدف و نیت فراخوان دهندگانش- یکی از این نوع اقدامات بود.

***انترناسیونال****: اکنون که مردم به پاکت تازه سیاستهای ریاضت کشی رای منفی داده اند وضعیت چه تغییری خواهد کرد؟ بطور واقعی این رای چه تاثیری بر شرایط سیاسی و اقتصادی در یونان خواهد داشت؟*

**حمید تقوائی:** به نظر من رای منفی مردم فضای جامعه را در یونان و در کل اروپای واحد یک گام دیگر به چپ می چرخاند.

از نظر حقوقی و رسمی رفراندوم بر سر شرایط جدید تروئیکا برای بازپرداخت وامها و اعطای وامهای جدید به دولت یونان بود. در این چارچوب رای منفی مردم به معنی رد این شرایط است. از نظر سیاسی- دپلماتیک نیز نتیجه این رفراندوم را میتوان با توجه به اینکه سیپراس اعلام کرده بود در صورت رای مثبت استعفا خواهد داد نوعی تایید مجدد دولت سیریزا تعبیر نمود. و بی گمان دولت سیریزا از این امر برای تقویت موقعیتش در مذاکرات و در خود جامعه یونان استفاده خواهد کرد. اما برای بررسی نتایج رفراندوم باید از این سطح فرمال و حقوقی و دیپلماتیک فراتر رفت. رفراندوم یونان را باید برمتن شرایط اجتماعی- سیاسی این کشور و بخصوص اعتراضات توده مردم به سیاستهای ریاضت کشی در چند سال اخیر قرار داد تا به معنی واقعی سیاسی- اجتماعی آن پی برد.

این در واقع رفراندومی برسر رد یا قبول سیاست ریاضت کشی اقتصادی بود. میتوان گفت که جنبشی که سالهاست علیه ریاضت کشی در یونان جریان دارد و یک نقطه عطف آن انتخاب سیریزا بود، با رفراندوم در یک اقدام حقوقی قانونی که حتی محافظه کارترین و راست ترین احزاب و دولتهای بورژوایی نمیتوانند انکار کنند، در برابر نسخه های ریاضتی بزرگترین دولتها و بانکهای سرمایه داری جهانی ایستاد و رسما و علنا به آن "نه" گفت. این یک پیشروی دیگر برای جنبش ضد ریاضت کشی نه تنها در یونان بلکه در اروپا و در کل جهانست.

***انترناسیونال:*** *گفته میشود در صورت امتناع یونان از بازپرداخت و یا هر میزان از دادن تخفیف و یا ابطال وامها، این مالیات دهندگان سایر کشور های اروپائی هستند که باید خسارت آنرا بدهند. بنظر شما آیا این عادلانه است؟*

**حمید تقوائی:** مردم یونان به کسی بدهکار نیستند. وام دهندگان نیز مردم اروپای واحد نیستند. دولتها و موسسات مالی سرمایه داری به هم طبقه ای های خود در یک کشور برای حل بحرانی که خود بوجود آورده اند وام داده اند. و خواستار بازپرداخت آن هستند. فشار به دولت یونان برای بازپرداخت وامها صرفا اهرمی است برای اعمال فشار اقتصادی بیشتر به کارگران و توده مردم یونان برای افزایش بارآوری و سود سرمایه ها و مقرون به صرفه کردن سرمایه گذاری در یونان.

باز پرداخت این وامها نیز به جیب کارگران و نود و نه درصدیهای اروپائی نخواهد رفت، بلکه به سرمایه بانکها و اقلام ثروت نجومی یک درصدیهای حاکم در اروپا افزوده خواهد شد. مساله و کشمکش جاری بر سر بدهی های دولت یونان در واقع کشمکشی برسر تحمیل شرایط حل بحران یونان از جیب کارگران و توده مردمی است که جز نیروی کار خود کالای دیگری برای فروش ندارند. در اولین سالهای بعد از بحران ٢۰۰۸ دولتهای اروپایی از محل مالیاتها و حتی حسابهای پس انداز بازنشستگی کارمندان و کارگران میلیاردها یورو به شرکتهای در حال ورشکستگی وام بلاعوض دادند. آنجا هیچ حرفی از منافع مالیات دهندگان و توده مردمی که حسابهای پس انداز و حق بازنشستگیشان را بالا کشیدند در میان نبود. در مورد یونان هم مساله بر سر بازپرداخت بدهی ها نیست بلکه اصرار وام دهندگان بر سر بازپرداخت بدهی ها از جیب کارگران و توده مردم یونان است. مساله بر سر همان شرایط ریاضت کشی و زدن از خدمات و حقوقها و حق بازنشستگی ها و افزایش مالیاتهای غیر مستقیم و غیره است. از نظر وام دهندگان نه تنها قرار نیست و نباید حتی کمترین بخشی از این وامها صرف رفاه عمومی بشود بلکه برعکس باید با تشدید فشارهای اقتصادی بر گرده مردم و سفت کردن هرچه بیشتر کمربندها بازپرداخت وامها را تامین کرد. این جوهر بحران بدهی های یونان است. در دوسوی این کشمکش دولت و مردم یونان در مقابل دولت و مردم کشورهای اروپای واحد قرار ندارند. این صفبندی دلبخواهی و عوامفریبانه است. قطبندی واقعی عبارتست از تقابل کارگران و توده مردم، نود و نه در صدیها در یونان و در کل اروپای واحد، در برابر یک درصدیهای حاکم در یونان و در کل اروپا. یک درصدیها بهمراه دولتها و بانکهای کشوری و فراکشوریشان.

یک جنبه مهم این تقابل، سیاسی است. اروپای واحد میخواهد هر نوع مقاومت و رای مخالف به سیاستهای دیکته شده خود به دولتهای عضو را در هم بشکند. نگرانی و هراس شان از اینست که تجربه یونان - یعنی روی کار آمدن یک دولت چپگرا با اتکا بر جنبش ضد ریاضت کشی- در بقیه اروپا نیز تکرار بشود و بنابراین میخواهند تجربه یونان را به یک شکست آشکار و تحقیر آمیز تبدیل کنند. این هم جنبه دیگری از بحران و کشمکش جاری در اروپای واحد و بر سر مساله یونان است. از هیچ یک از این جنبه ها منافع توده مردم در یونان و در دیگر کشورها اروپای واحد به نحوه پرداخت و یا بازپرداخت وامها بین دولتها و شرایط آن ربطی ندارد. این رای منفی مردم یونان، و نه تن دادن به شرایط تروئیکا و بازپرداخت وامها بر این اساس، است که منافع توده مردم، و یا بقول دولتها "مالیات دهندگان" در اروپا را نیز نمایندگی میکند.

***انترناسیونال:*** *آیا سیاستهای سیریزا و مشخصا رفراندوم اخیر میتواند بحران یونان را حل کند و یا تخفیفی بدهد؟ به نظر شما برای حل بحران یونان چه باید کرد؟*

**حمید تقوائی:** روشن است که هر اندازه شرط و شروط تروئیکا و سیاستهای ریاضت کشی به عقب رانده بشود به همان نسبت توده مردم در یونان راحت تر نفس خواهند کشید. اما برای حل بحران یونان به نفع توده مردم باید از این سطح فراتر رفت. ریشه دردها و مصائب مردم شروط تروئیکا و سیاست ریاضتکشی نیست، حاکمیت نظامی است که به سیاستهای ضد انسانی نوع تروئیکا نیازمند است.

تا آنجا که به رفراندوم اخیر مربوط میشود این همه پرسی نه تنها بحران بدهی های یونان را تخفیف نخواهد داد بلکه با توجه به رد شدن شرایط وام دهندگان از جانب مردم، آنرا تشدید نیز خواهد کرد. اکنون یونان در مرز ورشکستگی قرار گرفته و کشورهای اروپائی اولتیماتوم داده اند که اگر دولت سیریزا تا روز یکشنبه آینده طرحی شامل "اصلاحات" مورد نظر آنها ارائه نکند ممکن است از حوزه یورو اخراج بشود. این وضعیت ناشی از رای منفی مردم، و یا حتی بدطینتی و یا لجبازی مقامات اروپائی در مخالفت با رفراندوم و نتیجه آن نیست بلکه در این واقعیت ریشه دارد که حل بحران اقتصادی یونان از دید طبقه سرمایه دار- یعنی حل بحران به معنی بازپرداخت بدهی ها، گردش مجدد چرخهای سرمایه و تضیمن قابل رقابت بودن و سوددهی سرمایه ها- بدون تحمیل هر چه بیشتر فقر و فلاکت و شرایط هر چه سخت تر معیشتی به توده کارگران و مردم یونان امکان پذیر نیست. بعبارت دیگر نمیشود هم نظام سرمایه داری را حفظ کرد و هم مساله بیکاری و فقر و فلاکت و بی تامینی اقتصادی مردم را حل کرد. از این نقطه نظر سیاستهای سیریزا و یا هر دولت و حزب دیگری اگر بخواهد در چارچوب حفظ نظم سرمایه در یونان باقی بماند مشکلی از مردم حل نخواهد کرد.

در مورد قسمت دوم سئوالتان یعنی راه حل بحران یونان نظر من که در همان مقطع انتخاب سیریزا نیز مطرح کردم اینست که باید جنبش ضد ریاضتکشی جاری در یونان را به یک جنبش ضد کاپیتالیستی ارتقا داد. باید این واقعیت را در برابر چشم جامعه قرار داد که از نقطه نظر منافع کارگران و نود و نه درصدیهای یونان بحران جاری در این کشور در چارچوب نظام سرمایه داری پاسخ ندارد. این امر کاملا شدنی است. بر زمینه بحران جاری در یونان و کشاکشی که بین سیریزا و تروئیکا در گرفته است و بر متن جنبش ضد ریاضت کشی اقتصادی جاری میتوان به یک فضا و گفتمان و پارادایم ضد کاپیتالیستی دامن زد و نهایتا به یک جنبش اجتماعی قدرتمند علیه حاکمیت سرمایه در یونان شکل داد. از شعارهای مشخص مثل "بدهی ها باید ملغی بشود"، "توده مردم یونان مسئول بدهی یک درصدیها به یکدیگر نیستند"، "بانکها و یک درصدیها سرمایه دار یونان پای چهارم تروئیکا هستند" و نظایر آن تا دامن زدن به بحث های انتقادی عمیق در مورد ریشه ها و ماهیت کاپیتالیستی بحران یونان و غیره، بخصوص در مدیای اجتماعی، از جمله اقدامات مشخصی است که میتوان در جهت شکل دادن به این حرکت و جنبش ضد کاپیتالیستی در یونان انجام داد.

رکن دیگر کار سازماندادن توده مردم و فعال و در میدان نگاهداشتن آنان در تحولات جاری است. مردم را باید بر این واقعیت واقف کرد که مساله از بالای سر آنان و در دالانهای مذاکره راه حلی ندارد. حتی مذاکرات در صورتی به نتایجی به نفع مردم منجر خواه شد که فشار خیابان بر مذاکره کنندگان و فضای مذاکره حفظ بشود. جنبش اشغال نمونه های خوبی از سازمانیابی و سازماندهی توده ای بدست داده است و میتوان با اتکا بر این تجربه جنبش نود و نه درصدیهای یونان را سازمان داد و در میدان فعال نگاهداشت.

اینها به نظر من رئوس اقدامات و سیاستهای یک حزب و نیروی کمونیست انقلابی برای تاثیر گذاری بر شرایط سیاسی امروز یونان است. حتی احزاب و نیروهای چپ انقلابی در خارج از یونان با اقداماتی نظیر پتیشن "ما بدهکار نیستیم" که حزب ما مبتکر آن است میتوانند نقش فعالی در ایجاد این فضا و شرایط سیاسی ایفا کنند.

۸ جولای ١٥